

فرهانی از فرهنگ دوره هنری

در ضمن ملاحظه خطوط و مراسلات قدیم پیش یکی از دوستان فرمایی
به مهر سلطان ابوسعید بهادرخان (۷۱۶-۷۳۶) فرزند او لجا یتو سلطان محمد
خداونده (۷۰۳-۷۱۶) بنظر نگارنده رسید که از حیث قدمت زمان و انشاء
خالی از اهمیت نبود و بیشتر از شصده سال از تاریخ آن میگذرد صاحب این
فرمان آقای صمد امامی برادر آقای دکتر سید احمد امامی است که یکی از جوانان
دانشمند و با ذوق تبریز میباشد و ذوق سرشاری به آثار باستانی مخصوصاً نوشتگان
و خطوط قدمه دارند و مقدار کثیری ازین قبيل نوشتگان جمع آوری نموده و در
اختیار دارند از روی اطهار که باینچنان دارند فرمان مزبور را جهة مطالعه و
تحقیق در اطراف آن چندی در اختیار من گذاشتند.

این فرمان بشکل طومار است دو مترا طول و شانزده سانتیم عرض دارد
روی کاغذ (خانبالیغ) (۱) بخط نسخ شبیه به تلت نوشته شده است. در سه جای
این فرمان یعنی در قسمت اول و دوم که وسط فرمان است و قسمت سوم آخر فرمان
(آلمقا) یعنی مهر قرمز سلطان ابوسعید بهادرخان ثبت شده است در اطراف تما
کلمات شهادتین و در چهار گوش آن نام خلفاء اربعه با خط کوفی بصور وضوح خوانده
میشود موضوع فرمان حکمی است که بنا تقاضای جمعی از اهالی اردبیل و مریدان شیخ
صفی الدین اسحق اردبیلی ۶۵۰ - ۷۳۵ جد سلاطین صفویه راجع بحفظ و حراست
املاک موقوفه مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی که از طرف بعضی از امراء و حکام مغول
در آن زمان مورد تجاوز و دست اندازی میشد در این فرمان حکم اکید صادر شده است
که هیچکس از جماعت مغولان و سلحشوران تاجیک حق مداخله و تجاوز در آن املاک
ندارند و حتی المقدور در حفظ و حراست آن املاک بکوشند و از مضمون آن فرمان چنین

(۱)-خانبالیغ- نام شهر است در چین نزدیک مغولستان که کاغذ آن جام مشهور است

مستفاد میشود که مالیات و بدهی دیوانی آن املاک نیز موقوفالمصالبه بوده است . اینک عکس و گراور فرمان درسه قسمت در صفحات مجله بنظر قارئین محترم هیر سند از عبارات و مجلات آنفرمان قسمت هائی که خواننا است عیناً در زیر نقل وجاهاست که خواننا نیست تقاضه گذاری میشود .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الله اعزه لله تعالى

سلطان محمد (۱) پر لیغزیدن

شیخ حسن (۲) حاجی طغای بن سوئی (۳)

زکر یاسوسین (۴)

الحمد لله على نعمه ابراء تومن و هزاره صدده

و باستاق (۰)

وقت علمي ذالك

و حنام و قضاة و زایاب و متصرفات و بتکچی (۶)

و عموم ادالی

(۱) بن سلطان محمد هشت ماه بعد از وفات سلطان ابوسعید بهادرخان در تبریز به جا نشینی سلطان ابوسعید منسوب گردید (۲) این جمله بشکل صغری نوشته شده است و شیخ حسن بن آقبوقا معروف بشیخ حسن بزرگ پدر سلطان اویس ایلکانی است که مؤسس سلسله ایلکانی یا آل جلایر است و بس از عزیز شاهجهان تیمور خود را مستغل کرد. و از سنه ۷۴۰ تا ۷۵۷ در عراق عرب سلطنت کرده است (۳) نام حاجی طغای بن سوئیانی نیز بخود روضوح خوانده می شود که این دو امیر در جنوس سلطان محمد به جا نشینی ابوسعید جدیت و مساعدت زیادی کرده اند (۴) نامز کریا همان خواجه محمدز کریا است که وزیر سلطان محمد بوده است (۵) باسقاق در زبان مغولی به معنی داروغه است (۶) بتکیع کلمه مغولی است نویسنده قبوض را گویند.

لهم اعز

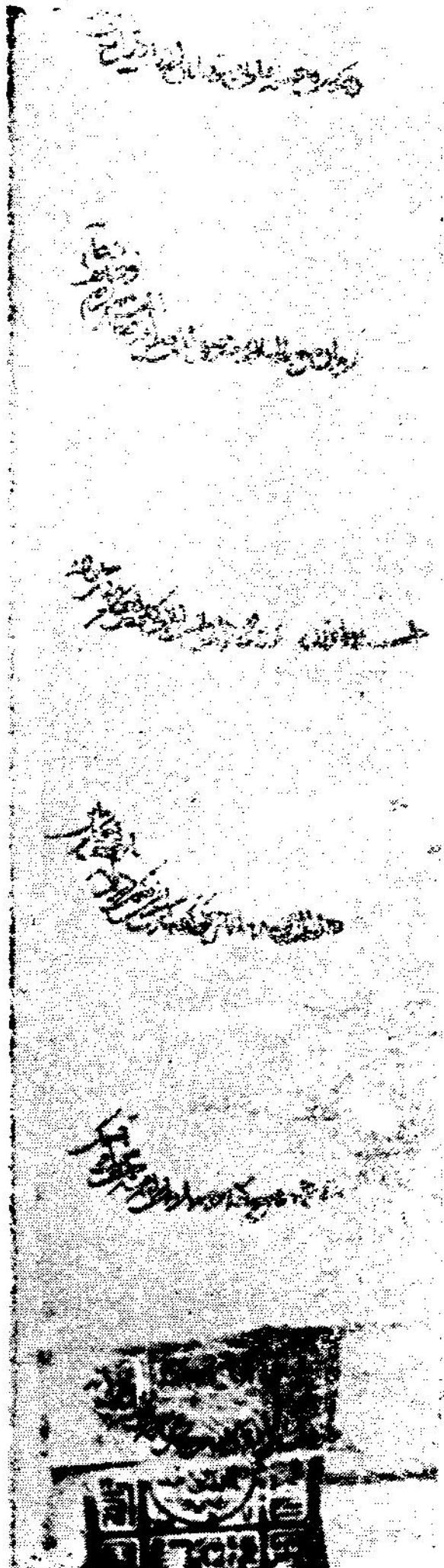
لهم اجعلنا
لهم اجعلنا

لهم اجعلنا



لهم اجعلنا
لهم اجعلنا
لهم اجعلنا

لهم اجعلنا



عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

أَبْرَارُ الْمُكْرِمَةِ

أَبْرَارُ الْمُكْرِمَةِ

أَبْرَارُ الْمُكْرِمَةِ

أَبْرَارُ الْمُكْرِمَةِ



و مه‌وطنان اردبیل و توابع آن بدانند کی هریدان شیخ‌الاalam
 سعید صفوی‌الدین قدس الله سره العزیز بعد از تقدیم و ظایف
 دعاء دولت روز افزون نمودند کی در آن ولایت اهل‌الکی
 به موجب احتمام مدون معدوده و در آن باب مجدد
 التماس حکمی کردند بدان سبب این مکتوب در قلم آمد
 تا بر موجب احکام سابق مقرر دارند و هیچگونه تغییر و
 تبدیل بدان راه ندهند جماعت مغول و تاجیک بنا واجب
 در اهلاک ایشان مدخل نشده و تصریف ننمایند و تعرضی
 ننمایند علیحده می‌رود بالا جواب بگویند.
 از اینجا آ آخر فرمان طوری پیچیده و بهم نوشته شده که خوانده
 نمی‌شود و مطلب درست مفهوم نیست ناچار بجای جملات
 ناخواذا نفعله گذاشتیم و حواله
 وصولی بدان مواضع تعلق نسازند و چیزی
 نخواهند و نبیز در محافظت مواضع و رعیت
 کوشیده از حیف و هیل وحترم باشند از ادای
 آن عاجز باشند مطالباتی ننمایند سنه سبع‌ماهه
الناسع من شعبان المعظم

کلمه سمعانه در آخر فرمان واضح و روشن خوانده می‌شود لیکن بعد از آن
 (ست و نهین و یا) نهانیه و نهین نوشته شده و درست روشن نیست و بهردو احتمال گمان می‌رود
 بالای فرمان بعد از جمله بسم الله (سلطان محمد بن لیغیندین) نوشته شده و محتمل است
 این جمله اصطلاح ترکی باشد یعنی از طرف سلطان محمد بن از فرمان سلطان محمد

از عبارات اینجمله چنین مذوّه میشود که این فرمان کمی بعد از وفات سلطان ابوسعید به درخواست از صرف جانشین وی سلطان محمد صادر شده است و این (سلطان محمد) از نبیره زادگان منکو تیمور پسر هلاکوخان بود بعد از وفات سلطان ابوسعید و انقراف کار آرپاخان و موسی خان که هر کدام چندماهی سلطنت کردند بمساعدت و همراهی امیرشیخ حسین بزرگ پسر سلطان اویس ایلکانی و حاجی طغای بن سوتای که نام هردو در صدر فرمان ثبت شده و از امراء و رجُل زندگان آن زمان بودند به جانشینی سلطان ابوسعید معین شد و در ذی الحجه ۷۳۶ در تبریز به تخت سلطنت ایلکانی جلوس کرد و سلطنت وی تا سال ۷۳۸ دوام داشته است.

دلیل براینکه این فرمان در زمان سلطان محمدخان صادر شده اینست که اولاً نام سلطان محمد در او فرمان نوشته شده و ثانیاً امامشیخ حسن و حاجی طغای بن سوتای که از مسیئین سلطنت سلطان محمد بودند نیز بشکل صفری واضح و روشن در او فرمان ثبت شده که فرمان را تصدیق و تائید کرده اند دلیل دیگری نیز هست و آن نام (زکریا) است که در او فرمان ثبت شده و بصور واضح خوانده میشود و این (زکریا) همان خواجه محمد زکریا دخترزاده خواجه رشید الدین فضل الله است که سمت وزارت سلطان محمد را داشت

بقراین و احتمالات قوی تقریباً یقین حاصل میشود که این فرمان در زمان جانشینی سلطان محمد صادر شده است ولی تعجب در اینجاست که چرا با مهر سلطان ابوسعید مذهور شده است در اینصورت این احتمال را باید داد که سلطان محمد چون جانشین ابوسعید بوده احتراماً در فرامین هر او را ثبت میکرده است و یا اینکه فرمان قبل از زمان سلطان ابوسعید نوشته و مذهور شده بود و بعداً در زمان سلطان محمد نیز تصدیق و تائید شده است.

علاء ماق

در اینخش ترانه‌ها علامات زیر بگار رفته :

w	=	a
خو	=	(زیر کوتاه)
r	=	á
ل	=	ä
m	=	e
n	=	é
و	=	i
y	=	ö
k	=	ü
ذ	=	ou
ق	=	ai
غ	=	u
س	(در همه حالت)	(بهمان صدای که در زبان فرانسه معمول است)
p	=	b
f	=	t
گ	=	z
d	=	ž
ش	=	j
		v
		c
	(ح)	h
		x